



«ایران» ابعاد لزوم پیشگیری از رفتارهای پرخطرانه در جامعه را بررسی می کند

عصبانی نشو، حرف بز!

آزاده سهرابی

دبیر گروه اجتماعی

فقط در نیمه نخست امسال بیش از ۳۳۴ هزار نفر مصدوم نزاع‌هایی بودند که برای بررسی صدمات و تعیین خسارات به پزشکی قانونی مراجعه کردند. این رقم نسبت به سال گذشته و مدت مشابه چندان تفاوتی ندارد. حتی در اینکه در تهران به تبع مشکلات بیشتر پایتخت‌نشینان و جمعیت بالای آن بیشترین ثبت نزاع‌ها صورت می‌گیرد هم تفاوت محسوسی نیست. فقط در ۶ ماهه امسال بیش از ۱۵۰ هزار نفر در استان تهران به پزشکی قانونی مراجعه کردند، اما اگر به نسبت جمعیت و ثبت نزاع بخواهیم بگوییم استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی، همدان و زنجان در صدر و استان‌های هرمزگان و بوشهر در پایین جدول هستند.

وظیفه پزشکی قانونی هم رسیدگی به شکایات نزاع و بررسی آسیب‌های مصدومان منازعات است که با دستور مقام قضایی به این سازمان ارجاع می‌شوند. پزشکی قانونی اعلام کرده آمار مراجعان نزاع به مراکز پزشکی قانونی از بیشترین موارد ارجاعات به پزشکی قانونی است و سالانه بیش از نیم میلیون مورد از ارجاعات سازمان را به خود اختصاص می‌دهد.

اما اینها گوشه‌ای از بروز پرخطرگی در جامعه است که بدون شک اگر آموزش‌های لازم برای مدیریت خشم و احساسات و هیجانات به افراد آموزش داده می‌شد شاهد نبودیم که با یک مسأله کوچک در رانندگی افراد شروع به درگیری کلامی و فیزیکی با هم بکنند یا بدون در نظر گرفتن پیامدهای رفتاری افراد با هر بیانه‌ای راه پرخطرگی را انتخاب کنند. گوشه‌ای دیگر از بروز این پرخطرگی هم نزاع رو در رو نیست مانند کسانی که بلوک سیمانی پرتاب می‌کنند یا حتی پرتاب مواد منفجره وسط خیابان! در همین سه‌شنبه‌های آخر سال همین روز گذشته نیز ویدیویی منتشر شد که از سنگ پرانی به سمت تعدادی از خودروهای عبوری در اتوبان غدیر خبر می‌داد؛ سنگ‌هایی که منجر به وارد شدن خسارت به برخی از خودروها نیز شده بود و هنوز معلوم نیست که هدف پرتاب‌کنندگان آن از این اقدام چه بوده است. هر چند تیمی از مأموران پلیس پیشگیری و مأموران پلیس آگاهی تهران بزرگ رسیدگی به این موضوع در دستور کار خود قرار داده‌اند و در همان دقیق اولیه به سرخ‌هایی از عاملان این اقدام دست یافته‌اند اما این مسأله هم زنگ خطر دیگری را به صدا در آورده است.

■ هشدارها به چه دردی می‌خورند؟

اما شاید سؤال اصلی در این میان این باشد که در پس ارائه آمارهای پزشکی قانونی چه چیزی است. اگر هشدار است کدام بخش‌های جامعه باید این هشدار را بشنوند؟ اگر قرار است کاری صورت بگیرد چه کاری و در کدام بخش‌ها باید این اقدامات پیشگیرانه صورت بگیرد که در جامعه هر چه کمتر شاهد رفتارهایی باشیم که افراد به خودشان و دیگران آسیب می‌زنند. آسیبی که گاه حتی خواسته نیست و اگر افراد پیامد رفتار خود را از قبل مشاهده می‌کردند دست به آن عمل نمی‌زدند. اگر در جامعه افرادی دچار اختلالات روانی هستند که آن اختلال منجر به آسیب به دیگری می‌شود چرا در جامعه پایش جدی در این میان وجود ندارد؟ در کشوری که سازمان نظام روانشناسی و مشاوره وجود دارد که بیش از ۴۰ هزار عضو دارد و از وظایف آن ارتقای سلامت روان در جامعه است چرا شاهد روند کاهشی محسوس در چنین مواردی نیستیم؟ چرا همچنان برای بسیاری از افراد جامعه پایش سلامت روانی خود و اطرافیان ساده نیست و مراجعه به روان درمانگران برای عده‌ای نوعی انگ اجتماعی محسوب می‌شود؟ سؤالات بسیار در این میان مطرح می‌شود.

■ آموزش بدون پرورش معنی ندارد

دکتر محمدرضا ایمانی، روانشناس اجتماعی و مشاوره خانواده به «ایران» می‌گوید: شاید مشکل اصلی این است که ما گویی در این سال‌ها تنها راهی که برای جلوگیری از خشونت به ذهنمان رسیده اقدامات پلیسی و بعد اقدامات قضایی است. بسیاری از افراد حرف‌های ارزشمند در پلیس باید درگیر پروسه‌های اجتماعی بشوند. یعنی در همه ابعاد در جامعه که دچار اختلالی است اول اقدام پلیسی وبعد قضایی راه حل شده است و اتفاقاً با این اقدامات افرادی را که زمینه پرخطرتری در حوزه سلامت روان دارند پایدار می‌کنیم چون آن فرد وقتی پایش به زندان می‌رسد در چرخه مشکلات بیشتری می‌افتد.

وی ادامه می‌دهد: بخش بزرگتری از موضوعات را در نهاد خانواده و نهاد آموزش و پرورش و تعلم و تربیت رها کرده‌ایم. به جرات می‌شود گفت منتهاست ما وزارت آموزش و پرورش نداریم و وزارت آموزش داریم که به سمت مدارس غیردولتی سوق دارد و درآمذزایی از مباحث روانی درحالی که مدرسه جایی است که افراد جز سواد خواندن و نوشتن، باید رفتار زیستی و ارتباطات اجتماعی و به‌کارگیری هوش هیجانی را بیاموزند. اینکه چطور مهارت

کنترل خشم پیدا کنند، مورد انتقاد بودن را تاب بیاورند و پاسخگویی سالم یا استقلال داشتن را یاد بگیرند در مدارس باید رخ بدهد.

■ لزوم پایش سلامت روان همپای سلامت جسمی

وی با طرح این موضوع که زمینه‌های متعدد و متنکتری در بحث سلامت روان مطرح است، ادامه می‌دهد: مردم ما باید یاد بگیرند همان‌طور که سلامت جسمی خود را پایش می‌کنند سلامت روان خود را هم پایش کنند. یعنی ببینند در دسته خود را آسیب‌رسان یا آسیب‌دیده قرار می‌گیرند و اگر چنین است برای ارتقای سلامت روان خود اقدام کنند. اگر کسی احساس افسردگی و ناراحتی دارد برای رفع آن اقدام کند وگرنه می‌شود کسی که بلوک‌های سیمانی را به سمت خیابان و اتوبان پرتاب می‌کند که نمی‌تواند محیط را تحلیل و مشکلات درون روانی خود را هضم کند و شروع به انتقام گرفتن می‌کند بدون اینکه در نظر بگیرد کسی که دارد هیجان خود را سرش خالی می‌کند چه کسی است و چه آسیبی ممکن است ببیند. این افراد اصلاً آموزش ندیده‌اند و یاد نگرفته‌اند که اگر عصبانی هستی نمی‌توانی از هر کسی انتقام بگیری. دکتر ایمانی با اشاره به اینکه عوامل متعددی در بحث‌های عدم کنترل هیجان‌ها از جمله خشم دخیل است از مباحث اقتصادی تا کرونا اما زمینه‌هایی چون مشکلات اقتصادی یا کرونا یک شبه حل نمی‌شود و باید افراد مسئولیت پذیری در قبال رفتار خود را آموزش دیده باشند، می‌گوید: اگر در خانواده او کودک‌کی پدر و مادر شروع به درک احساس فرزندانش و گفت‌وگو با آنها بکنند بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید، مثل اینکه دخترم، پسرم وقتی عصبانی هستی نباید به کسی صدمه بزنی و پیامدهای آن را برایش تشریح کنیم و او را به سمتی ببریم که درک کند ترمز روی سیستم اعصابش باید فعال باشد. در دل نابسامانی‌های سلامت خود را حفظ کند. ببیند زنجیره یک رفتار معیوب چه آسیب‌هایی دارد.

■ مسئولیت اجتماعی را جدی بگیریم

وی درباره اینکه اگر بخواهیم همین امروز چند راه‌حل ساده برای آموزش و بالا بردن آگاهی مردم و ارتقای سلامت روان مردم پیشنهاد بدهیم آنها چه می‌توانند باشند نیز می‌گوید: وقتی به آموزش برمی‌گردیم در کتاب‌های درسی در کنار مسائل درسی می‌شود مهارت‌ها و دانش‌ها را افزایش داد. می‌توان طرحی ریخت که اولیا این دانش‌ها

را یاد بگیرند. صدا و سیما و شبکه‌های اجتماعی فعال شوند. یک کلیپ صد ثانیه‌ای که سرانجام یک نزاع را نشان بدهد می‌تواند به صورت فراگیر در جامعه پخش شود و اثرگذاری دارد. خانواده‌ها به رفتار کودک و نوجوان و جوانشان بیشتر باید توجه کنند. وقتی بچه‌ای مداد را محکم روی دفتر می‌کشد دارد خشمش را نشان می‌دهد یا در نقاشی کودک‌ان این احساسات منعکس می‌شود و در همین نقطه می‌توان با دیدن این هیجان‌ها با فرزندان حرف زد تا به گره کور تبدیل نشود.

وی با تأکید بر اینکه هنوز هم ما به افرادی که به هر دلیل دچار ناپایداری روانی

آمارهای پزشکی قانونی به چه کار می‌آید؟

دکتر نائیجی مدیر کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان پزشکی قانونی کشور به «ایران» می‌گوید: مطمئناً مواردی که پزشکی قانونی در آمارهای خود اعلام می‌کند مربوط به پرونده‌هایی است که ثبت شده و شاید نزاع‌ها در سطح جامعه بیش از اینها باشد. وی درباره کارکرد اعلام این آمار نیز می‌گوید: ما همیشه سعی در اطلاع‌رسانی داریم تا دستگاه‌هایی که مسئول هستند راه‌های پیشگیری، افزایش تاب‌آوری و راه‌های کنترل خشم و مهارت‌های فردی را در جامعه گسترش دهند و دستگاه‌های مسئول هر آنچه در توان دارند را عمل کنند تا شاهد آمار کاهشی باشیم. به گفته وی هر کس در این آمارهاست کسی است که معرفینامه از کلانتری یا از دادسرا دارد و برای معاینه به پزشکی قانونی مراجعه می‌کند تا میزان آسیب و صدمات از طرف پزشکی قانونی اعلام شود. اگر فردی نیاز به دوره بهبودی دارد یا به ارزیابی مجدد نیاز دارد، باید دوره بهبودش طی شود و بعد اعلام نظر می‌شود که اگر صدمه‌ای غیرقابل جبران هم باقی‌مانده در پرونده ذکر شود. وی درباره اینکه شاید هنوز بحث تفکیک اختلالات روانی و نظر پزشکی قانونی مبنی بر اینکه فردی که مرتکب جرمی شده از نظر روانی سلامت است برای مردم جانیافته، گفت: ما در بحث اختلالات روانپزشکی ورود نمی‌کنیم، بلکه اگر اعلام می‌شود فرد از نظر روانی سالم است یعنی رفتار او در شرایط روانی صورت گرفته که فرد مسئول آن عمل

شده‌اند انگ می‌زنیم، ادامه می‌دهد: یک نفر احساس تنهایی یا افسردگی می‌کند و باید از مشاوره استفاده کند اما جامعه به آنها انگ می‌زند. بخشی از رفع مشکلات هم فرد در شرایط ناپایدار روانی می‌تواند با ورزش کردن یا موسیقی گوش دادن یا دعا و نیایش ... حل شود و بخشی هم نیاز است با یک متخصص روان صحبت شود. ریشه بسیاری از مشکلات امروز جامعه این است که افراد سواد رابطه را بلد نیستند. رابطه با همکار، رابطه با پدر و مادر، رابطه با فرزندان و ...

مثلاً در همین کرونا چقدر به افراد آموزش دادیم که این میزان فشار ناشی

از کرونا را چه کنند؟ باید بخشی را دفن یا برخی را هدایت کنند و... اما می‌بینیم این فشار هست و با یک جرقه نزاع در خانواده شروع می‌شود. معضل دیگر ما هم بحث باسوادای جامعه است که پشت آن پنهان می‌شود. نسل گذشته ما افراد تحصیلکرده‌ای نبودند اما باسواد بودند و آداب معاشرت و دیگرخواهی را یاد می‌دادند اما الان والدین خودخواهی و منفعت طلبی را آموزش می‌دهند. برآیند این جامعه چه می‌شود؟ ما با پدیده منفعت طلبی در جامعه روبه‌رو هستیم. انگار افراد مسئولیت اجتماعی در مقابل یکدیگر را از یاد برده‌اند.

دکتر ایمانی درباره اینکه چقدر از این وظایف به عهده سازمان‌هایی مثل سازمان نظام روان شناسی است و شاید اگر در ابعاد سلامت روان دچار ارتقا نشده‌ایم یکی از مسئولین همین سازمان‌ها و نهادهاست نیز می‌گوید: هستند در جامعه کسانی که مسئولیت اجتماعی را به عهده می‌گیرند اما تعدادشان کم است. همان‌طور که گفتم بحث مسئولیت اجتماعی کم‌رنگ شده و افراد دنبال کارهای کلینیکال و دستمزد هستند. نظام روان شناسی هم مانند نظام مهندسی و... در انجام مسئولیت‌های اجتماعی کم‌رنگ فعالیت می‌کند. باید همه ما مسئولانه‌تر رفتار کنیم.

نگاهی اجمالی به پرونده متهمانی که به خاطر بیماری روانی مرتکب جرم می‌شوند

بمب‌هایی که کنار ما قدم می‌زنند

مرجان همایونی

خبرنگار

خودروی پرابرد در بزرگراه در حال حرکت بود که ناگهان جسمی سخت به شیشه خودرو اصابت کرد. راننده وحشت‌زده پایش را روی ترمز فشرد. ماشین پیچ و تاب‌ی خورد و چند متر جلوتر متوقف شد. ناخودآگاه خودروهای پشت سر هم روی ترمز کوبیده و صدای برخورد خودروها با یکدیگر و شکل گرفتن تصادفی زنجیره‌ای نظم بزرگراه را بر هم زد. در همین موقع حاضران در محل، مردی پیرشان احوال را دیدند که بلوز بافتنی قهوه‌ای رنگ و شلوار پارچهای مشکلی به تن داشت و در اقدامی عجیب بلوک‌های سیمانی کنار بزرگراه را برمی‌داشت و به سمت خودروهای عبوری پرتاب می‌کرد. بلوک‌های سیمانی شیشه‌های خودروها را می‌شکست و مردم جوان از دیدن بلوایی که به راه انداخته بود لبچندی شوم بر لب داشت. سپس قبل از اینکه از سوی مردم دستگیر شود یا به فرار گذاشت.

این حادثه عجیب منجر به قتل یکی از راننده‌ها و زخمی شدن چند نفر دیگر و خسارت شدید به خودروها شد.

پس از این حادثه سناریوی پرتاب بلوک‌های سیمانی در بزرگراه‌های شهر ادامه یافت و کم‌کم به معمای مرموزی بدل می‌شد. اینکه چه کسی و با چه انگیزه‌ای می‌توانست پشت این ماجرا باشد. گمانه‌زنی‌ها ادامه داشت تا اینکه مرد

پیرشان حال با لباس بافتنی قهوه‌ای و شلوار مشکلی در حین انجام آخرین سناریوی پرتاب دیوانه وار سنگ به سمت راننده خودروهای عبوری، شناسایی و دستگیر شد. گرچه احتمالات زیادی در رابطه با انگیزه او مطرح شد، اما پس از بازداشت این متهم ۴۵ ساله اظهارات عجیب و جنجالی او باعث شد تا فرضیه اختلال روحی و مشکلات روانی وی پررنگ‌تر شود. او در تحقیقات گفت: از کودکی در خانواده و از سوی اطرافیان تحقیر می‌شدم. همه مرا اذیت می‌کنند به همین خاطر تصمیم گرفتم با این کار انتقام بگیرم.

بارپرس جنایی با شنیدن اظهارات عجیب متهم وی را در اختیار پزشکی قانونی قرار داد تا تحت معاینات پزشکی قرار گیرد. انجام آزمایش‌های روانی و تخصصی کارشناسان پزشکی قانونی نیز مهر تأییدی بر وجود بیماری روانی در متهم بود.

■ حضور بیماران روانی در شهر

آمارها می‌گویند از هر چهار خانواده در ایران یک خانواده درگیر بیماری روانی است. برخی کارشناسان نیز ۳۰ درصد مردم ایران را دچار اختلالات روانی می‌دانند. بیمارانی که اغلب آنها همانند بمبی ساعتی در خانه یا کنار دیگر مردم در شهر قدم می‌زنند و کوچکترین تلنگری کافی است تا هم خودشان منفجر شوند و هم اطرافیان‌شان را به نابودی بکشانند. مرد جوانی که چند سال قبل در خیابان سرکودک ۱۲ ساله‌ای را برپید، مادری که دو فرزندش را به قتل رساند، پدري



دارند. اگر قبل از آنکه فردی مرتکب خطایی شود، خانواده از وضعیت روحی و روانی او مطلع شوند و نیاز به کمک داشته باشند، آنها می‌توانند به مراکز بهزیستی مراجعه کرده و از آنها برای درمان یا نگهداری این افراد کمک بخواهند.

اگر یک مجنون مرتکب قتل یا هر خطایی شده باشد، چون مسئولیت آنها طبق ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی بر عهده خانواده‌هایشان است بنابراین دیه تعیین شده از سوی دادگاه را عاقله این افراد باید پرداخت کند و زمانی که جرمی از سوی افرادی که دارای اختلال روانی بدون قوه عاقله رخ دهد، عاقله آنها به دادسرا احضار شده و در رابطه با جرمی که رخ داده به آنها تقصیر مسئول جبران ضرر و زیان وارده تقصیر مستول جبران ضرر و زیان وارده تقصیر اتهام می‌شود.

مسئولیتی در قبال این افراد دارند می‌گوید: در قانون مسئولیت مدنی، کسانی که به شکل قانونی یا قراردادی مسئول نگهداری از مجنون یا صغیر هستند، درصورت تقصیر مسئول جبران ضرر و زیان وارده هستند. بدین ترتیب خانواده‌ها مسئولیت

با رفع جنون این افراد، باتوجه به نظریه مرکز نگهداری در خصوص صحت روانی و اینکه نیاز به درمان بیشتر نیست، این افراد ترخیص می‌شوند. ■ **مسئولیت خانواده بیماران روانی** او در پاسخ به این سؤال که خانواده‌ها چه